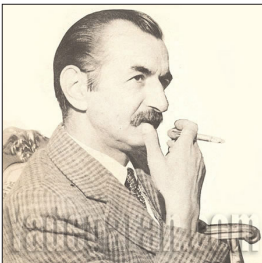


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

شاعری که با دشمن خود دوست بود



سید عمادالدین حسن برفعی مشهور به عماد خراسانی، غزل سرای نامی معاصر، بهار ۱۳۰۰ خورشیدی در توس متولدشد. در ۳ سالگی مادرش را از دست داد و در ۶ سالگی پدرش را و از آن پس تحت سرپرستی پدر بزرگ و مادر بزرگ رشد کرد. از ۹ سالگی با تشویق دایی خود، شعر خوانی و سرودن شعر را آغاز کرد. از سال ۱۳۳۱ به تهران رفت. تخلص عماد خراسانی را فریدون مشیری برای او برگزید.

«مهدی اخوان ثالث» که یکی از دوستان صمیمی عماد

بود در مقدمه‌ای بر کتاب «ورقی چند از دیوان عماد» شرح حال و زندگی کاملی از عماد نوشته که این کتاب تاکنون بارها با همان مقدمه تجدید چاپ شده‌است. نکته مهم در غزل عماد، تجلی درها، ناراحتی‌ها و سرخوردگی‌هایی است که او در زندگی خود با آنها روبه‌رو بوده‌است. او اصالت غزل را حفظ کرد و هیچ‌وقت از روی تقئین غزل نگفت، بلکه مفهوم غزل یعنی عشق و دوست داشتن را شناخت و به کار برد.

برخی شعرهای عماد به ضرب‌المثل بدل شده و چند نسل از لایه‌های گوناگون مردم ایران عواطف و احساسات خود را با تکرار بیتی از عماد بیان می‌کنند. از جمله مشهورترین این ابیات می‌توان به این موارد اشاره کرد: عهد کردم که دگر می‌نخورم در همه عمر / به‌جز از امشب و فردا شب و شب‌های دگر.

با این بیت مشهور: دوستت دارم و دانم که تویی دشمن جانم / از چه با دشمن جانم شده‌ام دوست ندانم!

عماد خراسانی فرزندی نداشت و تا آخر عمر تنها زندگی کرد. او صبح روز ۲۸ بهمن ۱۳۸۲ درگذشت.

خودزنی / محیط زیست

مجال تازه‌ای که مجلس به زمین خواران می‌دهد

بر اساس طرح تازه مجلس اراضی ملی که تا سال ۱۳۸۵ به‌صورت غیرقانونی تبدیل به باغ یا اراضی زراعی شده‌اند، مجاز شمرده‌شده و وزارت کشاورزی باید برای آنها مجوزهای قانونی تغییر کاربری صادر کند.
یک کارشناس منابع طبیعی در این باره می‌گوید: ظاهر ا دل نگرانی از طرح‌ها و لویج و اعلام مصوبه‌هایی که تن طبیعت رنجور وطن را بلرزاند تمامی ندارد. هنوز سایه نگرانی‌های طرح «حذف آب‌های محصولات استراتژیک کشاورزی» از سر طبیعت نگذشته است که ناپاورانه از طرح قانونی دیگر در ماه‌های پایانی مجلس نهم خبر می‌رسد که تصویب آن، زمینه دست‌اندازی‌های گسترده به اراضی ملی و انتقال را فراهم می‌کند.

هومان خاکپور در باره این طرح توضیح می‌دهد: این روزها که طبیعت کشور مان سخت‌ترین شرایط شکنندگی خود را تجربه می‌کند، طرح قانون «حفظ اراضی کشاورزی جمهوری اسلامی ایران» نگرانی‌های زیادی را در بین کارشناسان و دست‌اندرکاران منابع طبیعی و فعالان حوزه محیط‌زیست کشور به‌وجود آورده است. به‌موجب بخش‌هایی از این قانون قرار است «اراضی ملی که تا سال ۱۳۸۵ به‌صورت غیرقانونی تبدیل به باغ یا اراضی زراعی شده‌اند، مجاز شمرده‌شده و وزارت جهاد کشاورزی مأموریت می‌یابد تا برای تغییر کاربری این اراضی از ملی به زراعت و باغداری و… مجوزهای قانونی صادر کند». به اعتقاد او این قانون پیش از همه موجب جسورتر شدن متخلفان و قانون‌گریزان می‌شود و اعمال خلاف قانون آنان را مشروعبت و وجهت قانونی خواهد داد و دست‌اندازی‌های بیشتر به عرصه‌های طبیعی و اراضی ملی را سبب خواهد شد و یقیناً روند تخریب رویشگاه‌های طبیعی کشور را شتابی نگران‌کننده خواهد بخشید. این فعال محیط زیست تصریح می‌کند: تخریب گسترده اراضی ملی و کاهش وسعت رویشگاه‌های طبیعی جنگلی و مرتعی و همین‌طور نابودی بخش‌هایی از کوهستان‌های ارزشمند کشور نیز در شمار پیامدهای نا‌گوار و قابل‌پیش‌بینی تصویب این قانون خواهد بود. خاکپور می‌گوید: شاید الزامات و محدودیت‌هایی به‌ظاهر برای رفع اینگونه نگرانی‌ها نیز تدوین شود اما آنچه محرز و مشهود است که البته تجربه‌های تلخی از قوانین مشابه در گذشته وجود دارد، سوء استفاده‌ها و فراهم شدن فرصت‌های زمین‌خواری و دست‌اندازی‌های گسترده‌تر به اراضی ملی است. دیدهبان طبیعت بختیاری یادآوری می‌کند: حدود دو دهه پیش بود که با تصویب ماده ۳۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، به پهنانه مجاز کردن تصرفات غیرقانونی قبل از سال ۱۳۶۵ بخش‌های زیادی از اراضی ملی و رویشگاه‌های طبیعی از دست رفت و برای تغییر کاربری آنها به باغ و زراعت مجوزهای قانونی صادر شد!

ایمن کارشناس منابع طبیعی هشدار می‌دهد: بدون شک رویکرد چنین قوانینی که زمینه زمین‌خواری‌ها و دست‌اندازی‌های گسترده‌ای در اراضی ملی و دولتی را فراهم می‌کند مغایر با منویات و تأکیدات مقام معظم رهبری است که در ۱۷ اسفند ۱۳۹۳ ضمن اشاره به پدیده شوم زمین‌خواری، بر وظایف دستگاه‌های قضایی و نظارتی بر جرم انگاری تخریب محیط زیست و منابع طبیعی تأکید فرمودند و مجلس را مکلف به تصویب قوانین پیشگیرانه کرده‌اند.



یادداشت روز

یادداشتی بر «بادیگارد» ابراهیم حاتمی‌کیا

اصغر نعیمی | «بادیگارد» فیلمی است درباره حلقه‌های ازدواجی که از انگشت بیرون آورده می‌شوند. فیلمی درباره اسلحه‌ای که تحویل داده می‌شود، دست‌هایی که روی سنگ مزاریک شهید روی هم قرار می‌گیرند و چشم‌هایی که به‌وقت خواب باید با چقیه بسته شوند تا آرام بگیرند. فیلمی درباره محافظتی که نمی‌خواهد بادیگارد باشد. شاید در کمتر اثری از ابراهیم حاتمی‌کیا این حجم از شک، تردید و دودلی، شخصیت‌های همیشه مضمم، اورا کلافه کرده باشند. آدم‌های حاتمی‌کیا در سال‌های اخیر بیشتر اهل یقین و باور بودند تا شک و تردید و «بادیگارد» چه خوب زمینه‌ها و علل این فقدان یقین و این تردیدها را جلوی چشم ما می‌گیرد.

بر خلاف نظر بسیاری «بادیگارد» بازگشت حاتمی‌کیا به آژانس شیشه‌ای نیست، حتی اگر حضور پرصلابت پرویز پرستویی ناخودآگاه آژانس را نداعی کند، برای خود من «بادیگارد» «بیشتر یادآور اثر مهجور حاتمی‌کیا «وصل نیکان» است. فیلمی درباره زمنده‌ای که در اوج جنگ شهرها و موشک‌باران تهران در برزخ و تردید ان‌دواج، تصمیم می‌گیرد مجلس عروسی اش را در تهران خالی از

سوت‌بان

همچو من وصل تو را هیچ سزاوار ی هست؟
یا چونم هجر تو را هیچ گرفتاری هست؟
ای تماشای رخت داروی بیماری عشق
خبرت نیست که در کوی تو بیماری هست...
(سیف فرغانی، قرن هشتم، غزلیات)

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

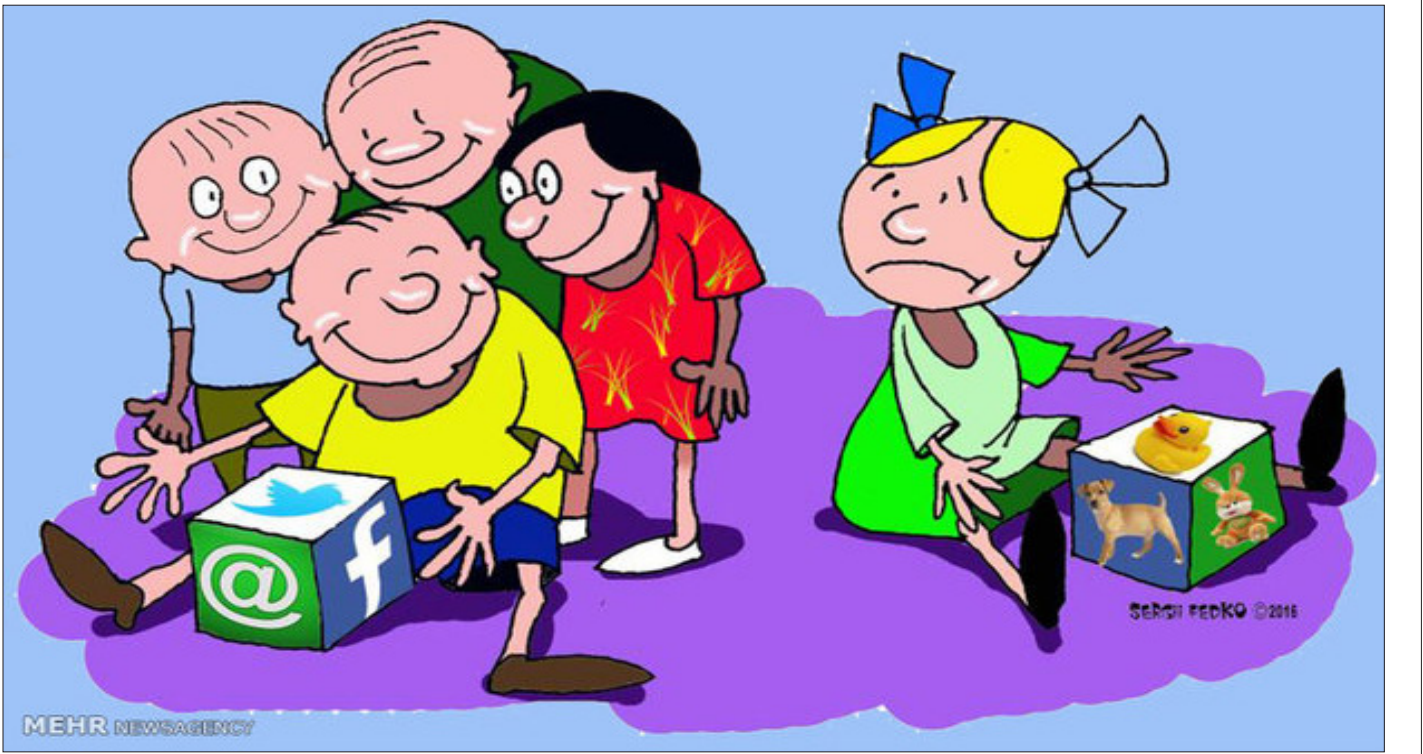
داستان پسری که پدرش او را دوست نداشت

رمان «ایستادن روبه‌روی عقربه‌های کج» روانه بازار شد

رمان «ایستادن روی‌به‌روی عقربه‌های کج» نوشته مهدی میرباقری هفته گذشته وارد بازار کتاب شد. این رمان روایت زندگی جوانی است که مورد تفرق‌پدرش قرار دارد و از این جهت، اثری تلخ و گزنده است. مهدی میرباقری، درباره رمانش گفت: «ایستادن روبه‌روی عقربه‌های کج» رمان زمان است؛ ادغام آینده و گذشته. اینکه آینده در گذشته جریان دارد و گذشته پس از آینده می‌آید. در واقع، بن‌مایه اصلی رمان، جمله‌ای است که یکی از شخصیت‌ها می‌گوید: «آینده همون گذشته است». وی ادامه داد: رمان درباره مفهوم زمان است و درهم‌آمیختگی آن با خواب، چراکه حقیقت و اصالت زمان در خواب پیدا می‌شود و این‌گونه است که زندگی شخصیت اصلی داستان و خانواده‌اش در ۱۳ بخش و در پوسته‌ای از زمان که به دور یک استوانه پیچیده شده است بیان می‌شود. این نویسنده در توضیح شخصیت اصلی داستان اظهار کرد: راوی اول شخص است و داستان زندگی خود را از تولد تا سن ۲۳ سالگی روایت می‌کند و هر هیچ کجای داستان اسمی از خود نمی‌آورد. زمان در این داستان به صورت خطی نیست بلکه با زمانی حلقوی مواجه هستیم، یعنی در یک لحظه روای در چندین زمان مختلف قرار دارد. وی افزود: داستان در ذهن شخصیت اصلی روایت می‌شود، در ذهنی که دچار فروپاشی شده و فرورفتن در چاله زمان پریشان‌ش کرده است به همین دلیل است که شخصیت اصلی دائم‌الروایت خودش را از زندگی جعل می‌کند و دوباره می‌سازد. میرباقری در تشریح نحوه انتخاب موضوع این رمان گفت: هیچ‌وقت به‌صورت سفارشی کار نکردم و دنبال سوزۀ نرفتم، بلکه همیشه سوزۀ‌ها به سراغم آمدند و در ذهنم نقش بستند. برای مثال تکمیل این رمان ۸ سال طول کشید و نوشتن آن به شیوه کوششی نبود.

نویسنده کتاب «ایستادن روبه‌روی عقربه‌های کج» با اشاره به تفاوت‌های رمان‌نویسی با نمایش نام‌نویسی گفت: هر دو سختی‌های خاص خودشان را دارند اما نوشتن رمان لذت‌بخش‌تر

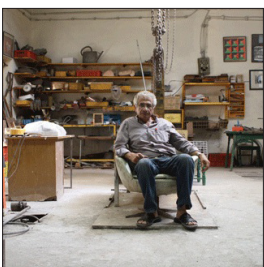
گردش روزگار برعکس است



کودکان در «دنیای قشنگ نو»....

با کاروان حله / اخبار هنر

شعر مفرغ؛ مستند زندگی پرویز تناولی



مستند زندگی پرویز تناولی، بار دیگر جامعه ایرانیان ساکن کانادا را گرد هم آورد. این مستند گذری بر زندگی پرویز تناولی و آثار شاخص زندگی او داشته و البته بخش بزرگی از آن را گفت‌وگویی طولانی با خود تناولی در کارگاه و خانه‌اش تشکیل می‌دهد. این فیلم بخشی از یک پروژه بزرگ‌تر و یکی از شرکت‌کنندگان سمپوزیوم هشت‌روزه فیلمسازی است که به شرکت‌کنندگان خود تنها همین‌زمان اندک را برای فیلم‌برداری، انجام مراحل فنی و تدوین زمان می‌دهد.

ترنس ترنز کارگردان هم که به‌گفته خودش از مدت‌هایب شیفته آثار تناولی بوده، از این فرصت نهایت استفاده را برده و با جلب موافقت تناولی، موفق شده این دوره از زندگی او را ثبت کند. بیش از تماشای آثار تناولی بر پرده نقره‌ای، آنچه خبرنگار پایگاه «ونکوور سان» را شگفت‌زده کرده حضور بسیاری از ایرانیان مقیم کانادا در روز نمایش فیلم در سالن «کی‌میک» بوده؛ کسانی که حتی از راه‌های دور خودشان راه‌ی این مکان رسانده و با شرکت در مهمانی خیره‌پس از نمایش فیلم کمک قابل توجهی به بانیان برگزاری این رویداد فرهنگی کرده بودند.

خبرنگار «ونکوور سان» در ادامه گزارش خود ضمن اینکه تناولی را یکی از بزرگترین مجسمه‌سازان در قید حیات ایران خوانده، شرح طولانی از کارهای او و نمایشگاه‌های مختلف این هنرمند در سراسر جهان داده و گزارش خود را با ستودن شیوه‌تحسین برانگیز ترنس ترنز در کارگردانی این فیلم مستند که «شاعری به زبان مفرغ» نام دارد، به‌پایان می‌برد.

است چرا که مستقیم با مخاطب روبه‌رو هستی اما نمایش‌نامه زمانی قابل فهم است که در روی صحنه اجرا شود.

وی ادامه داد: یک‌رمان زمانی ارزش هنری پیدا می‌کند که خواننده شود، به همین دلیل امیدوارم که این رمان هم مورد توجه مخاطبان ادبیات قرار گیرد و خواننده شود. کار اولی نبودم اما هنگام انتشار این کتاب استرس داشتم چرا که ممکن بود کار خوانده نشود.

میرباقری در بخش پایانی صحبت‌هایش اظهار کرد: اثر هنری باید یک زخم لذت‌بخش را در مخاطب ایجاد کند تا با آن درگیر شود. این رمان برخلاف خیلی از رمان‌ها آشپزخانه‌ای و همراه با لطافت نیست.

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «نمی‌دانم چرا هر وقت سرم را می‌گیرم زیر دوش آب یاد پدرم می‌افتم که شیر آب داغ را باز می‌کرد و به زور نگه‌ام می‌داشت زیر دوش آب داغ حمام عمومی، گردنم را محکم می‌گفت و

اجازه نمی‌داد تک‌ان بخورم، نگه‌ام می‌داشت زیر ریزش آب داغ، می‌سوختم و جرات نداشتم حرفی بزنم، تا چند روز تمام تنم می‌سوخت، هر وقت اعصابش از زندگی به هم می‌ریخت یا هر مشکلی برایش پیش می‌آمد می‌گفت وسایل حمام را آماده کنیم برویم حمام، حتی اگر روزی دوبار می‌شد.» از مهدی میرباقری تاکنون نمایشنامه‌های «خاستگاری»، «سیاوش در آتش»، «زندگی یک رویاست»، «بازی نامه حاسد و نمام»، «آخرین حکایت فرهاد»، «گفت‌وگو با معشوق قدیمی»، «من آنجا نیستم»، «صحنه‌هایی از زندگی پدرم و داستان نیمه شب» منتشر شده است.

آدم برفی‌ها به بهشت رفتند



دروازه‌های بهشت فقط چند ماه از بهار و تابستان بازا است، زمستان کاپوس ساکنان ییلاق سوباتان بود، اما امسال جامعه محلی با برگزاری جشنواره آدم برفی‌ها، راه ورود به این روستای گردشگری را در زمستان نیز باز کرد.

سوباتان یکی از مناطق ییلاقی استان گیلان، معروف به «بهشت» است که در ۲۰ کیلومتری غرب شهر «لیسار» از توابع شهرستان تالش واقع شده و

حدود یک دهه است که از «گردشگران انبوه» میزبانی می‌کند، جمعیتی چند هزار نفره که چند روزی از اواخر بهار به این روستای ییلاقی هجوم می‌آورند و بهشت‌گردی می‌کنند که البته حضور انبوه آنها در یک دوره زمانی کوتاه، بدون تأثیرات مخرب نبوده است؛ از تغییر بافت بومی روستایی گرفته تا زباله‌های بلاکلیفی که در مسیر منتهی به روستا انباشت می‌شود و سختی انتقال آنها چاره‌ای جز سوزاندن زباله‌ها نمی‌گذارد.

راه دسترسی به سوباتان با آنکه ناهموار است، اما مانع ورود گردشگران به این روستای ییلاقی در ارتفاعات تالش نمی‌شود. هرچند زمستان‌ها بارش سنگین برف، این دسترسی را سخت‌تر می‌کند، با این حال گروهی از مردمان محلی و دوستداران سوباتان که تصمیم گرفته‌اند این روستای گردشگری را معرفی و توسعه‌یابدار از طریق گردشگری در آن محقق کنند، جشنواره زمستانی آدم‌برفی‌ها را برای نخستین‌بار در فصل خواب گردشگری سوباتان برپا کردند تا از ظرفیت‌های خفته این روستا نیز استفاده شود.

اینکه موسیقی کارن هماپونفر چه گوشنواز است و بازی پرویز پرستویی از عمق جانش برخاسته و لاچرم بر عمق جان تأثیر می‌گذارد... اما از منظر من، در «بادیگارد» اینها همه در مرتبه دوم اهمیت هستند. مهم روح لطیفی است که در پس پوسته خشن اولیه فیلم موج می‌زند و خودش را به رخ می‌کشد. به رغم ظاهر پرپرتش و داستان پرالتهالی که دارد، «بادیگارد»، از منظر من شاعرانه‌ترین فیلم حاتمی‌کیا در سال‌های اخیر است و برخلاف بسیاری که آن را به عنوان یک فیلم اکشن و حادثه‌پردازانه ارزیابی می‌کنند، من معتقدم «بادیگارد» یک فیلم عاشقانه خالص است. و در مرتبه بعدی «بادیگارد» فیلم زمانه و فیلم امروز است. زمانه‌ای که در آن آدم‌های خوب، آدم‌های عاشق باید برای پیدا کردن جواب سوال‌های‌شان رنج بیشتری ببرند. چون روزگاری رسیده که پرسش‌ها دشوارتر و تصمیم‌ها پیچیده‌تر شده. «بادیگارد» به‌ما یادآوری می‌کند روزهایی را که، همه چیز آسان‌تر بود چون پای دل در میانه بود، را. پشت سر گذاشته‌ایم و فیلم و فیلمسازی بی هیچ کینه و نفرتی نسبت به امروز و امروزی‌ها، حسرت خود نسبت به آن روزها را بازتاب می‌دهند. (منبع: خبرآنلاین)